

تفویض ولایت اطاعت، قضاء، حربه، اقامه حدود و تعزیرات و بطور کلی حق تأسیس حکومت اسلامی و اداره امور جامعه مسلمین بر موازین قسط و عدل و انجام تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، گردآوری وجوهات شرعی و مالیاتهای مناسب و مصرف آن در موارد لازم و نافع به حال همگان، از جمله شئون و اختیارات «ولی فقیه» در عصر غیبت است که از اهم مسائل فقه حکومتی اسلام به شمار می آید.

به موازات تأسیس و القای قواعد و اصول فقه سیاسی و حکومتی، در بعد امامت و رهبری، مسائل و اصول کلی زیادی نیز در دیگر مسائل اجتماعی و سیاسی مانند مسائل مربوط به محاربین، اهل بغی، مفسدین فی الارض، منافقین، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، اقامه نماز جمعه و نماز عیدین و ایراد خطبه‌های آن، قضاوت، اجرای حدود و تعزیرات، اعمال ولایت و سرپرستی امور مربوط به لقیط، محجور، سفیه، صغار، اوقاف، تقسیم ارث، تصرف ارث توسط حاکم شرع در صورت نبودن هیچگونه وارث نسبی و سببی، و صدها مسئله مشابه دیگر که از مسائل فقه حکومتی و سیاسی اسلام به شمار می آیند، در متن قرآن مجید و یا سنت پیامبر ﷺ، سیره و روایات ائمه معصومین علیهم السلام مطرح شده و ارکان و اصول فقه حکومتی اسلام را پدید آوردند. مجموع همین آیات و روایات بود که به عنوان سند مورد استناد فتاوی فقها در دوران غیبت قرار گرفته و مباحث و مسائل تشکیل دهنده فقه حکومتی از مجموع فقه امامیه را، شکل دادند.

روی این اصل باید گفت، فقه حکومتی اسلام نیز مانند سایر احکام شرع و فقه عمومی آن، در درجه اول از قرآن و سنت نشأت گرفته و بر پایه اصول و موازین شرعی در طول زمان تطور و تکامل یافته است.

سیره رسول خدا ﷺ در دوران بعثت و نبوت، بویژه در دوران سیزده ساله مدینه که عصر حکومت بود، و در ضمن هفتاد و اندی جنگ کوچک و بزرگی که در طول این مدت توسط پیامبر اسلام راه اندازی و رهبری شد، غنی ترین منبع برای فقه حکومتی و زنده ترین الگو برای تأسیس حکومت اسلامی و شیوه اداره آن به شمار می آید.

چنانکه مجموع مراسلات خارجی آن حضرت با سلاطین، امپراطوریهها، امرا و حکام زمان در سراسر جهان آن روز که آنها را با شیوه دیپلماسی خاص و غیر معهود به پذیرش اسلام دعوت فرموده و مجموع آنها به نام «مکاتیب الرسول» مشهور است، از منابع و مآخذ بسیار مهم فقه حکومتی اسلام در بخش سیاست خارجی است.<sup>۱۷</sup>

۱۷. فست عمده این نامه‌ها در کتابی به نام مکاتیب الرسول توسط آقای احمدی میانجی گردآوری و نشر یافته است و همچنین مجموعه این نامه‌ها به اضافه کلمات قصار و خطب و مواعظ آن حضرت در کتابی در جلدی به نام مدینه البلاغه توسط شیخ موسی زنجانی تألیف و تدوین و نشر یافته است.

همین طور، سیره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در طول پنج سال حکومت پر برکت و افتخار آفرین خود و عهدنامه‌ها و فرامین حکومتی آن حضرت به والیان و فرمانداران و مدیران امور کشور، بویژه نامه معروف آن حضرت به «مالک اشتر نخعی» و دیگر یاران، بهترین مدرک و مواد اولیه برای فقه حکومتی شیعه به شمار می‌آید که استفاده‌های لازم نیز از آن به عمل نیامده است. نهج البلاغه در بردارنده اصول ارزنده‌ای از فقه حکومتی است که در صورت به کارگیری، رشد و فلاح امت اسلام را به ارمغان خواهد آورد.

مجموع این مطالب همراه با روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، مواد اولیه و بافت اصلی فقه حکومتی اسلام در کتب فقهی موجود شیعه را تشکیل می‌دهد. بر این اساس فقه حکومتی ما میراث گرانقدری است که از عصر پیامبر و ائمه معصومین باقی مانده و در دوره‌های بعد، تهذیب و تطور یافته که در این جا، رشد و تطور آن در اعصار بعد از معصومین علیهم السلام را بطور خلاصه بررسی می‌کنیم.

## ۲ - عصر فقهای اقدم

اولین مرحله از مراحل تاریخ فقه در دوران غیبت کبری را «عصر فقهای اقدم» یا «متقدمین از فقها» می‌نامند. فقیهان بزرگواری مانند کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید و امثال اینها، به این عصر تعلق دارند. آنان در کنار ترویج احادیث ائمه معصومین و مشرب کلامی و فقهی آنان، از مطالعه و اظهار نظر در زمینه خصوص فقه حکومتی شیعه نیز خودداری نکرده و در حدّ مقدور در این زمینه، فتاوا و نظراتی از خود باقی گذاشتند.

البته امثال این فقیهان بزرگ، به دلایل گوناگونی که در رأس همه آنها، حاکمیت طاغوت و وجود جوّ سیاسی ارباب و خفقان و تقیه و در نظر گرفتن برخی از مسائل دراز مدت شیعه بود، نتوانستند در آن اوایل، مسائل مربوط به ولایت فقیه، لزوم تأسیس حکومت اسلامی و مسائل ظریف فقه حکومتی و سیاسی را در یک مبحث مستقل گرد آورده و به گونه منسجم بدان پردازند، لکن با این همه آن مسائل را فراموش نکردند و در لابلای مباحث مختلف فقهی و با رعایت مناسبت‌های ویژه به بحث و بررسی آن پرداختند. مثلاً همانگونه که قبلاً نیز گفتیم، برخی از مباحث آن را در ضمن کتاب البیع، کتاب الحجج، کتاب النکاح، کتاب الخمس والانفال، کتاب القضاء، کتاب الجهاد، و امثال اینها آوردند و برخی دیگر را در ضمن کتاب الصوم، کتاب الحدود، کتاب الصلوة و موارد مشابه دیگر ذکر کردند و با یک بحث کوتاه و اشاره‌های اجمالی از آنها گذشتند، و گاهی هم به بحث مفصل آن پرداخته و مطالب جالبی را به یادگار گذاشتند، اما در مقام بررسی تاریخ فقه حکومتی شیعه به این نکته می‌رسیم که علیرغم تلاش قابل ستایش فقها برای تعمیق و گسترش این شاخه از مباحث

فقهی، «تقیه» عامل بسیار مؤثری در پیشگیری از گسترش مباحث حکومتی بویژه در آن اعصار بوده است. یکی از شارحین کتاب معروف العروة الوثقی تألیف مرحوم سید کاظم یزدی رحمته الله درباره میزان حاکمیت جوّ ارباب و تقیه و تأثیر منفی آن بر فقه امامیه بویژه فقه سیاسی آن، مطالب قابل توجهی را بیان کرده است. او می‌نویسد:

«فقهای بزرگوار پیشین ما قدس سرهم، که ما از دریای دانش آنان بهره می‌جویم و به همه فضایلشان گردن می‌نهمیم و فضیلت پیشاهنگی و سبقت و پیشگامیشان را اعتراف داریم، و آنان را به عنوان استاد و خود را به عنوان آموزنده می‌بینیم، هر چند که مباحث گسترده و دامنه‌داری را در قلمرو فقهی انجام داده و تألیفات ارزشمندی را پدید آوردند و طبق اقتضای زمان و ظرفیت عصرشان، در این راه بسیار کوشیدند، لکن با این همه در اثر حاکمیت «جو تقیه» مجبور شدند که در اسلوب تا حدودی دنباله‌رو فقهای عامه باشند که از اواخر قرن دوم هجری نفوذ و حاکمیت یافته و روح جاودانه و اصیل فقه اسلام را با نوعی قشری‌گرایی درهم آمیخته و به خدمت خلفای انتخابی درآمدند. بتدریج آن خلافت نیز تبدیل به پادشاهی سلاطین جور گردید و فقهای عامه نیز استنباطهای فقهی خود را منحصر به موضوعات عبادات و معاملات و برخی از مسائل عقیدتی فرقه‌ای نمودند و از بحث و دخالت در امور و شئون مربوط به دنیا و دولت مسلمین، از ترس سلاطین جور، اجتناب کردند، آنان برخی از مسائل خیالی واقع نشده را فرض کرده و درباره‌اش به بحث و بررسی می‌پرداختند، چنانکه متأخرین از فقهایشان چنین می‌کردند و می‌کنند، از آثار سوء این جمود و قشری‌گرایی این بود که فکر اجتهادی در بینشان به زوال گراییده و در نهایت منجر به تفکیک دین از سیاست گردید. درست برخلاف نظر مبارک شارع مقدس که دین خود را در دو بعد آخرت و دنیا تشریح فرموده است. در نتیجه فقهای بزرگوار ما نیز با توجه به حاکمیت جوّ تقیه تصنیف و تألیف به شیوه فقهای عامه را در پیش گرفته و از تصریح و تعرض به مسائل مربوط به شئون زندگی اجتماعی و دنیوی مسلمین، خودداری ورزیده و در کتابهای فقهی به مطرح کردن احکام عبادات و معاملات، به معنای اخص اینها اکتفا کردند و از طرح و بررسی گسترده مسائل مربوط به مباحثی همچون جهاد، حدود، امر به معروف و نهی از منکر و امثال اینها، احتراز نمودند و لکن با این همه باز هم برخی از این فقها به سعادت شهادت نائل و در راه خدا کشته شدند. چنانکه شهید اول پس از کشته شدن جسدش به دار آویخته شده و بعد از آن به آتش کشیده شد. بعد از شهید اول، کسانی همچون شهید ثانی و شهید ثالث و امثال این بزرگواران - خدا رحمتشان کند و پاداش مناسب به آنان عطا فرماید - نیز کشته شده و به شهادت رسیدند. وضع تألیفات فقهی ما اینگونه بود، تا آنکه خدا بر اهل مذهب منت نهاده و اوضاع را تثبیت فرمود.

تألیفات فقهی نیز بتدریج در مسیر تکامل و تطور افتاده و در برخی از سرزمینهای اسلامی حتی المقدور خارج از سیطره حکام جائز آثار فقهی نوینی پدید آمد، و هریک از

فقهای ما، در آن زمینه‌هایی که مورد نیاز عصرشان بود و یا به هرحال خودشان آن موضوعات را مهتر تشخیص داده بودند، کتابهایی نوشتند، برخی از فقها نیز در برخی از ابواب فقهی به تألیف و نگارش پرداختند.<sup>۱۸</sup>

نخستین مایه‌های فقه حکومتی اسلام را در جوامع حدیثی همچون اصول حدیثی اصحاب ائمه، کتاب کافی مرحوم شیخ کلینی، تهذیب مرحوم شیخ طوسی رحمتهما و دیگر کتابهای حدیثی می‌توان مشاهده کرد که روایات مربوط به ولایت فقیه و شئون حکومت را درج کرده‌اند. در مرحله بعدی کتب فتوایی فقهای اقدم شیعه مانند کتب شیخ صدوق و شیخ مفید و دیگران است که راجع به مسائل حدود و تعزیرات، امر به معروف و نهی از منکر، حدود و ولایت فقیه و مسائل سیاسی مشابه فتوا داده‌اند.

البته از فقهای اقدم شیعه نباید انتظار ارائه بحثهای مفصل در این زمینه داشته باشیم. چرا که آنان کتابهای فقهی و فتوایی خود را در همه زمینه‌ها بسیار خلاصه نوشته‌اند، طبیعی است در زمینه فروع حکومتی نیز همین سیاق اعمال شده است. به علاوه اینکه آنان این مسائل را بسیار پراکنده و در لابلای مباحث متفرقه فقهی خود گنجانده‌اند که در یک فرصت مناسب باید همه آنها استخراج، گردآوری و تدوین شود. ما در این جا برای ذکر نمونه نظرات آنان در زمینه مسائل حکومتی فقه اسلام، سیر بسیار گذرای در کتابهایشان انجام داده و برخی از دیدگاهها و فتاوی این بزرگواران در زمینه مسائل فقه سیاسی را ذکر می‌کنیم تا سیر تاریخی فقه حکومتی اسلام و روند تحول آن آشکار گردد.

از فقهای اقدم شیعه که نزدیک به عصر غیبت صغری بوده‌اند، فقهایی که ذیلاً و به ترتیب نام برده می‌شوند، دارای دیدگاههای حکومتی و فتوایی در زمینه مسائل سیاسی اسلام بوده‌اند:

۱ - شیخ کلینی: از جمله نخستین کسانی که در نوشته او بخش مستقل و مفصلی به گردآوری و نقل و تدوین احادیث مربوط به شئون، «امامت و ولایت» اختصاص یافته، فقیه و محدث بزرگ و نامدار اسلام، محمد بن یعقوب کلینی صاحب کتاب کافی را می‌توان نام برد. کتاب کافی که از دو بخش جداگانه به نامهای «اصول» و «فروع» کافی تشکیل شده، بخش عظیمی از «اصول» آن به مبحث ولایت و امامت تحت عنوان «کتاب الحجة» پرداخته شده است.

در کتاب الحجة اصول کافی علاوه بر نقل و تدوین روایات مربوط به زندگی و سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و بیان دسته‌ای از صفات و خصوصیات آن بزرگواران

۱۸. الفقه الارقی فی شرح العروة الوثقی، ج ۱/۲۰ - ۱۸ تألیف شیخ عبدالکریم زنجانی، طبع ۳ نجف، مطبعة الغری الحدیثه.

«حجت و ولی امر» بودن و «واجب الاطاعة» بودن آنان در امور دینی، اجتماعی، سیاسی و حکومتی نیز، بدون کوچکترین تردید و ابهام، از طریق نقل روایات قابل اعتماد و معتبر به ثبوت رسیده است.

این بخش از کتاب کافی علیرغم بافت تاریخی خود، مایه‌های اولیه و اصلی فقه سیاسی اسلام در زمینه مسائل رهبری و امامت را در بر دارد.

مرحوم کلینی در اصول کافی مبحث دیگری تحت عنوان «کتاب فضل العلم» دارد که می‌توان در مقام بررسی تاریخی فقه حکومتی اسلام، آن را مکمل «کتاب الحجة» نامید. او در کتاب فضل العلم علاوه بر نقل روایات در زمینه ارزشمندی دانش و دانشمندان، روایات زیادی را نیز درباره خصوص فقها و علمای اسلام و اوصاف و مقام آنان و مسائلی از قبیل حقوق علماء، لزوم تحصیل فقه، معارف دینی، تمسک به کتاب و سنت، شیوه اجتهاد در کتاب و سنت و استنباط احکام شرعی از منابع اولیه آن و بالاخره درباره مرجعیت و تقلید گردآوری و تدوین نموده است.<sup>۱۹</sup>

مرحوم کلینی همچنین در بخشهای گوناگون فروع کافی احادیث فراوانی را در زمینه لزوم تاسیس حکومت و مسائلی از قبیل اینکه قانون ارث بدون قوه مجریه و تاسیس حکومت اسلامی قابل عمل نیست<sup>۲۰</sup>، و نیز درباره امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حدود و تعزیرات، قضاوت و مسائل سیاسی - اجتماعی دیگر، نقل و تدوین فرموده که در مجموع مأخذی بسیار غنی برای تدوین مذهب فقه حکومتی اسلام به شمار می‌آید.

درست است که مرحوم کلینی در زمینه‌های یاد شده شخصاً فتوایی نداده است، لکن شیوه طبقه‌بندی، عنوان‌گذاری و تدوین این احادیث در کتاب او، بیانگر دیدگاه ویژه این بزرگوار در زمینه مسائل اسلامی از جمله فقه حکومتی اسلام است.

از جمله عوامل اهمیت مرحوم کلینی این است که او نزدیک‌ترین فقیه و مؤلف شیعه به عصر ائمه معصومین علیهم‌السلام است که چنین کتاب جامعی را به یادگار گذاشته است. کلینی هم عصر دوران غیبت صغری بوده و به خدمت برخی از سفراء و نواب اربعه نیز رسیده است. او در سال ۳۲۸ (و یا ۳۲۹) هجری درگذشت.

۲ - شیخ صدوق: محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (۳۰۵ - ۳۸۱ هجری) که به

۱۹. ر.ک: اصول کافی، ج ۱/۵۶ - ۲۳ با تصحیح آقای حسن‌زاده آملی، چاپ مکتبه الاسلامیه.

۲۰. شیخ کلینی در کتاب خود، بابی به این عنوان باز کرده است: «باب ان الفرائض لاتقام الا بالسيف» - فرائض را جز با شمشیر و اسلحه نمی‌توان برپا نمود - او این باب را با چند حدیث در ضمن کتاب الموارث (کافی، ج ۷/۷۷) نقل کرده است و «فرائض» را به معنی اخص آن یعنی «میراث» گرفته است، درحالی که شاید معنای آن، عام‌تر از این باشد و فرائض دین بطور کلی منظور حضرات ائمه علیهم‌السلام بوده باشد.

شیخ صدوق شهرت یافته و از جمله مؤلفان گرانقدر کتب اربعه حدیثی شیعه است، یکی از فقهای بزرگ و اقدم امامیه به شمار می آید و تألیفات فراوانی در حدیث، عقاید و فقه دارد. شیخ صدوق معاصر آخرین دوران خلافت بنی عباس و عصر ضعف و زوال آنان و حکومت یافتن خاندان شیعی معروف آل بویه بوده و امرا و سرداران آل بویه او را بسیار محترم داشته و تعظیم و تکریم می نموده اند.

صدوق در کتب فقهی و فتوایی خود مسائل مربوط به «فقه حکومتی» را حتی الامکان از نظر دور نداشته و در فروع مختلف آن فتاوی داده است، از جمله کتب فقهی او در این زمینه که قابل مراجعه و شایسته تفحص می باشد کتاب المقنع و کتاب الهدایة بالخیر را می توان نام برد.

شیخ صدوق در کتاب الهدایة بالخیر راجع به مسئله جهاد و نقش و وظیفه رهبر و امام مسلمین در آن، چنین نوشته است:

«جهاد با دشمن بر همه امت فرض و واجب است. به گونه ای که اگر آن را ترک کنند، عذاب بر آنان فرود خواهد آمد و این عذاب از نوع عذاب های گروهی و اجتماعی است. بر امام مسلمین واجب است، در این مورد امور امت را سامان بخشیده و به همراهشان برضد دشمن جهاد کند.<sup>۲۱</sup>»

شیخ صدوق رحمته الله در کتابهای فتوایی خود، با توجه به شرایط تقیه که در آن می زیسته، با تلویح و اشاره، مراجعه به دستگاه قضایی بنی عباس را تحریم کرده و با توجه به عدم وجود حکومت اسلامی صالح و مستقل از بنی عباس، شیعیان را دستور می دادند که به «برادران خود» یعنی فقهای شیعه مراجعه کرده و اختلافات خود را حل و فصل نمایند. متن کلام او چنین است:

«بدان هر یک از مسلمانان که با برادر مسلمان خود در مورد حقی اختلاف و منازعه داشته باشد، باید به مردی از برادران خود جهت حل اختلاف مراجعه کند، اگر طرف دعوی از تن در دادن به این مسئله امتناع کرده و اصرار بورزد که «به آنان» [قضات بنی عباس] مراجعه کنند، مشمول این سخن خداوند متعال خواهد بود که فرموده است: «آیا ندیده ای آن کسانی را که خود را جزء مؤمنین می پندارند و گمان می کنند به آنچه بر پیامبر خاتم و پیامبران پیشین نازل شده، ایمان آورده اند، و لکن قضاوت و حل اختلاف خود را به پیش طاغوت «حکومت نامشروع» می برند، در حالی که مأمور شده اند که به آنان کفر بورزند.<sup>۲۲</sup>»

۲۱. الینایع الفقهیه، کتاب الجهاد/۹، اعداد علی اصغر مروارید.

۲۲. الینایع الفقهیه، کتاب القضاء والشهادات/۹، ضمنا این فتوا بر پایه حدیثی است به همین عبارت که در من لایحضره الفقیه، ج ۳/۲ نقل شده است.

این دو مورد، نمونه‌ای از فتاوای شیخ صدوق در زمینه فروعات فقه حکومتی اسلام است و او راجع به دیگر مسائل و فروعات محوری و جنبی فقه حکومتی نیز در موارد دیگر در کتاب یاد شده و کتاب حدیثی - فتوایی من لایحضره الفقیه بحث و بررسی کرده است. کتاب «من لایحضره...» نیز در واقع یک تألیف فتوایی به شمار می‌آید که با مستندات خود همراه است. شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، با نقل احادیث مربوطه، پذیرفتن حکومت طاغوت و مراجعه به آن را حرام و تبعیت از «امام عادل» را لازم شمرده است و ظاهراً مقصود او از «امام عادل» اعم از امام معصوم و ولی فقیه می‌باشد.<sup>۲۳</sup>

۳ - شیخ مفید: نام او محمد بن محمد بن نعمان است که به دلیل فضل و کمال و برکتی که وجود او در میان امت اسلام و امامیه داشته، به «شیخ منید» معروف شده است. (۳۳۸ - ۴۱۳ هـ)

شیخ مفید یکی از برجسته‌ترین فقها و متکلمین امامیه و از علمای اقدم شیعه است. شیخ مفید ضمن توقیع شریف و مفصلی که از ناحیه مقدس امام زمان (عج) به عنوان شخص او صادر شده، مورد تأیید و مدح آن حضرت قرار گرفته است.<sup>۲۴</sup>

شیخ مفید در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی زمان خود نیز حاضر بوده و در حد امکان، مسئله «ولایت فقیه» و لزوم تأسیس حکومت اسلامی را در کتابهای خود مطرح فرموده و بر مؤمنین «واجب» کرده است که اگر چنین تشکیلاتی توسط فقهای واجد شرایط پدید آمد، آن تشکیلات و حکومت را یاری رسانند.

و همین‌طور او فتوا داده است که همکاری مردم با «پادشاهان گمراه» و سلاطین جور، حرام است و مردم باید از آن پرهیز کنند. روی این اصل، آراء و فتاوی شیخ مفید در زمینه مسائل حکومتی را می‌توان تحولی میمون در تاریخ فقه امامیه تلقی کرد، آرای او در زمینه ولایت فقیه و شئون اجتماعی، سیاسی، قضایی و نظامی که فقها باید در جامعه عهده‌دار آن باشند، بسیار صریح و بی‌ابهام است و در مقایسه با فتاوای همراه با تقیه و محتاطانه شیخ صدوق، یک تحول صائب فقهی است. بخشی از آرای حکومتی او که در کتاب فتوایی ارزشمندش به نام المقنعه درج شده، از این قرار است:

«... اما اقامه حدود، از وظایف رهبران اسلام است که از جانب خداوند تعیین شده باشند و آنان نیز ائمه هدی از آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند، چنانکه امرا و حکامی که این بزرگواران نصب کرده باشند، نیز جزء سلاطین حقه اسلام محسوب می‌شوند.» و در زمان غیبت، آن بزرگواران اقامه حدود را بر عهده فقهای شیعه گذاشته‌اند که در صورت امکان

۲۳. ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج ۳/۳ - ۲. چاپ دارالکتب الاسلامیه.

۲۴. ر.ک: الاحتجاج، ج ۲/۲، طبرسی.

آن را پیاده کنند. پس «در صورت عدم وجود حکومت اسلامی» اگر یکی از فقیهان امکانش را داشته باشد، باید حدود الهی را در مورد فرزندان و غلامان خود اجرا کند، به شرط اینکه از اضرار حکومت جور، بیم نداشته باشد و اگر از ستمگران بر نفس خویش و یا بر دین اسلام بترسد، نباید اقامه کند.»

همچنین اگر فقیهی امکانش را داشته باشد، باید حدود را در میان قوم و ملت خود اجرا کند، اگر از ممانعت و مزاحمت ستمگران در امان باشد، اقامه حدود بر فقیه لازم و واجب می‌شود، در این صورت باید در میان قوم خود، دست دزد را ببرد و زناکاران را تازیانه بزند، قاتلین را قصاص کرده و به قتل برساند. این واجب عینی است بر هر کسی در میان قوم خود غلبه و حکومت یافته و به خلافت و امارت برسد و واجب عینی است بر هر کسی که انجام این امور از طرف شخص یاد شده به او محول شده باشد. باید اقامه حدود کند و احکام شرع را به اجرا درآورد و امر به معروف و نهی از منکر نماید و با کفار و دیگر فاجران و مستحقین جنگ، جنگ و جهاد کند. بر برادران مؤمن نیز واجب است، که او را یاری کنند و هر وقت آن فقیه، آنان را به یاری طلبید پاسخ مثبت بدهند و این وجوب تا آنجاست که او از حدود الهی در نگذرد، یا خود منصوب سلطان ضلال - پادشاه گمراه - در طریق معصیت خدا نباشد، در امور حکومتی جایز نیست کسی را در مسائلی که خلاف دین خداست یاری کنند، اما مؤمنین می‌توانند با شخصی که منصوب ظلمه است در اموری که خلاف مقررات شرع اسلام نیست همکاری کنند. و از جمله وظایف فقهای شیعه آل محمد صلی الله علیه و آله این است که در صورت تمکن برادران ایمانی خود را در نمازهای پنجگانه یومیه، نمازهای عید «فطر و قربان» نماز استسقا، نمازهای خسوف و کسوف، جمع کنند و این نمازها را به جماعت برپا نمایند.

و نیز از جمله وظایف فقها این است که در میان مردم برپایه حق و اسلام قضاوت کنند و در بین اختلاف‌کنندگان و صاحبان دعاوی، در صورت عدم وجود کسی برای داوری اصلاح بدهند، و آنها باید تمام اعمال و وظایفی را که در اسلام بر عهده قاضی گذاشته شده است، انجام بدهند، به دلیل اینکه ائمه معصومین علیهم السلام همه این اختیارات، را به آنان تفویض کرده‌اند که در صورت حصول تمکن، آن را بجای بیاورند. و این تفویض بر اساس روایات و اخبار معتبر و صحیحی است که اهل معرفت و صاحب نظران علم حدیث به آن اعتراف و اعتماد کرده‌اند. هیچیک از فقهای حقه، حق ندارند که در میان مردم برخلاف احکام ثابت شده از طریق آل محمد صلی الله علیه و آله قضاوت نمایند، چنانکه منصوبین از جانب سلاطین جور نیز نمی‌توانند چنین کنند، مگر اینکه از روی تقیه ناچار بدان باشند و تقیه نیز در مورد ریختن خون مؤمنین وجود ندارد و به هیچ دلیل و بهانه‌ای نمی‌توان بدان دست یازید. اگر فردی از طرف حکومت ظالمین، ولایت و کارگزاری را پذیرفته باشد، جایز نیست در مقام عمل به شیوه و مقررات آنان عمل کند، مگر اینکه مسلوب الاختیار گردیده و ناچار به تقیه شود، در آن صورت تقیه او را در وسعت قرار



می‌دهد، در هر صورت جایز نیست بر او که با اختیار خود، یک قانون و رسم باطلی به اجرا درآورده و در خون نیز تقیه نیست چنانکه مؤکداً گفتیم.

برکسی جایز نیست که از جانب فاسقان در رابطه با تدبیر امور مردم و کشور منصبی را بپذیرد مگر به شرط اینکه بخواهد از این طریق اهل ایمان را یاری برساند و آنان را از ناراحتیها مصون نگاه دارد و نیز باید یک پنجم همهٔ درآمدهایی را که از طریق منصب ولایت و کارگزاری خود به دست می‌آورد، از مال خود اخراج کرده [و به مستحقین برساند].

هر کس از اهل حق [و فقهای واجد شرایط] که با نفوذ در دستگاه ظالمین به مقام حکومت و امارت برسد و در ظاهر منصوب از طرف ظالم باشد، در حقیقت او حاکم و امیر حق است که به این منصب از جانب حضرت صاحب الامر نائل آمده است و نه از طرف گمراهانی که از طریق اعمال زور به قدرت رسیده‌اند. روی این اصل اگر برای او امکان داشته باشد که بر فجار اقامهٔ حدود شرعی کند و بر بزهکاران و اهل خلاف اضرار لازم را وارد آورد، باید این کار را بکند و در اجرای آن کوشش نماید، که این کار از بزرگترین انواع جهاد به شمار می‌آید. کسی که جاهل به احکام شرع است (یعنی مجتهد و فقیه نیست) بر او جایز نیست که ولایت و حکومت مردم را بپذیرد، همینطور است کسی که [بنا بر هر دلیل] از رسیدگی به امور مردم ناتوان باشد بر او نیز جایز نیست که امور حکومتی را تقبل کند. اگر چنین کسانی مناصب حکومتی را بپذیرند گناهکارند، چون از جانب حضرت صاحب الامر (عج) مأذون به پذیرش و انجام این کار نمی‌باشند و ولایت اصلی مال آن حضرت است. اگر غیر واجدین شرایط [یعنی کسانی که فقیه در احکام نباشند و یا از تدبیر امور مردم و ادارهٔ وظایف محوله ناتوان باشند] منصب ولایتی و حکومتی را قبول کنند، هیچ‌کدام از افعال و اعمالشان در این رابطه مشروعیت ندارد و در نزد خدا مورد محاسبه و مؤاخذه قرار خواهند گرفت برای کارهایی که در حکومت انجام داده‌اند، مگر اینکه عفو و بخشش خداوند شامل حال آنها گردد.<sup>۲۵</sup>

شیخ مفید، مشابه این فتاوا را در کتابهای دیگر خود نیز مطرح فرموده و با شیوه‌های مختلف بر آرای حکومتی و سیاسی خود تأکید ورزیده است. کتاب *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، هر چند که یک تألیف کلامی و اعتقادی است، لکن پر از دیدگاههای او در زمینهٔ مسائل و فروع سیاسی و حکومتی فقه امامیه است.<sup>۲۶</sup>

از این رو، باید گفت عصر شیخ مفید، عصر شکوفایی اندیشه‌های کلامی و مبانی فقه

۲۵. المقنعه / ۱۳۰ - ۱۲۹، شیخ مفید، افست مکتبه‌الداوری - قم از روی چاپ سنگی.

۲۶. به عنوان نمونه ر.ک: *اوائل المقالات*، چاپ قم، مکتبه‌الداوری با مقدمه شیخ الاسلام زنجانی، صفحات ۳۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۷۵ و نیز ر.ک: *اندیشه‌های کلامی شیخ مفید*، / ۲۹۴ - ۲۶۷ مارتین مکدرموت، ترجمه احمد آرام.

حکومتی شیعه است، چنانکه در فرازهایی از سخنان شیخ مفید ملاحظه فرمودید، کلیات مسائل مبتلابه فقه حکومتی عصر خود را بیان داشته است که مجموع آنها در محورهای ذیل قابل تلخیص و تبیین است:

۱- ولایت در زمینه‌های مربوط به قضا، اجرای حدود و تدبیر امور مسلمین و تأسیس حکومت بالا صاله از آن سلطان اسلام است که از جانب خداوند تعیین شده باشد. «سلاطین منصوب از جانب خدا ائمه معصومین هستند که آخرین آنان حضرت صاحب‌الامر (عج) است.»

۲- در زمان غیبت حضرت صاحب‌الامر، این اختیارات و ولایتها از جانب آن حضرت به فقهای شیعه تفویض و واگذار گردیده است.

۳- فقها می‌توانند در صورت تمکن و بسط ید، وظایف سلطان حقه اسلام را بر عهده گرفته و جامعه را بر طبق احکام اسلام و آیین آل محمد صلی الله علیه و آله اداره کنند.

۴- در صورت عدم تمکن شخصی، فقها می‌توانند حتی در دستگاه حکومت جور نیز وارد شده و از آن طریق اجرای حدود الهی و صیانت از حقوق مؤمنین نمایند، لکن به موارد خلاف قانون خدا بویژه در مورد خون حتی با تقیه نیز نمی‌توانند عمل کنند.

۵- بر مؤمنین واجب است فقهای شیعه را در اجرای امور حکومتی یار شده کمک نمایند.

۶- بر مؤمنین حرام است که سلاطین و حکام جور را یاری نمایند.

۷- اگر فقیهی دارای توان تدبیر امور و ادره شئون حکومتی مسلمین نباشد، تصدی ولایت بر او حرام است، معرفت احکام و داشتن فقاہت به علاوه قدرت بر اداره امور، شرط صلاحیت برای تصدی ولایت و حکومت است.

این مسائل و مسائل جنبی و جزئی دیگر را می‌توان از متن کلام شیخ مفید استخراج نمود که در واقع، اصول اصلی فقه حکومتی اسلام در زمینه رهبری و تأسیس نظام و اداره آن می‌باشد، به همین دلیل است که گفتیم عصر شیخ مفید، دوران شکفته شدن و مدون گشتن اصول و مبانی اصلی فقه حکومتی اسلام است و شخص شیخ مفید با زعامتی که در حوزه‌های علمیه شیعی و جهان اسلام، بویژه در بین امامیه داشته، خود عامل این شکوفایی فقهی است.

شیخ مفید با امرای شیعی آل بویه ارتباط داشته و خود نیز شخصاً در مسائل اجتماعی، فکری و سیاسی جامعه اسلامی دخالت می‌نموده است و در همین رابطه است که مدتی نیز

مجبور به ترک بغداد، مرکز فعالیت‌های علمی و سیاسی خود گردیده است.<sup>۲۷</sup> در این جا، سخن خود را در مورد آرای شیخ مفید در زمینه فقه حکومتی شیعه، با نقل سخن دیگری از او در رابطه با مفهوم سیاسی «کشور» و «سرزمین» از دیدگاه فقهی خاتمه می‌دهیم.

شیخ مفید درباره مفهوم اصطلاح «دار» یا «کشور» و «سرزمین» در فقه امامیه چنین می‌گوید:

«گفتاری درباره سرزمین:

من می‌گویم که حکم «دار» وابسته به وضعی است که در آن سرزمین، غلبه با آن است، هر جا که کفر در آن غالب باشد، سرزمین کفر (دارالکفر) و هر جا که فقط اسلام در آن غالب باشد و نه ایمان، «دارالاسلام» به شمار می‌آیند. و...

من می‌گویم هر قسمت از بلاد اسلام که شرایع اسلام به امامت غیر آل محمد علیهم‌السلام روان باشد، دارالاسلام است و نه دارایمان، و هر بخش از بلاد اسلام، خواه با جمعیت زیاد و خواه با جمعیت کم، که در آن شرایع اسلام همراه با اعتقاد به امامت آل محمد علیهم‌السلام وجود داشته باشد، آنجا دارالاسلام و دارایمان هر دو است. به اعتقاد من، ممکن است سرزمین در عین این‌که دارالاسلام است دارالکفر ملت، نیز باشد، ولی ممکن نیست سرزمینی دارایمان و دارالکفر هر دو باشد»<sup>۲۸</sup>.

۴ - سیدین: شیخ مفید در حوزه فقهی و علمی خود شاگردان برجسته‌ای را پرورش داد که از آن میان دو نفر سید که با همدیگر برادر بودند، شاخص‌تر از بقیه‌اند. آن دو عبارتند از سید مرتضی علم‌الهدی و سید رضی گرد آورنده نهج‌البلاغه. این دو بزرگوار که در علم فقه، ادبیات، کلام و فنون رایج زمان خود متبحر و ماهر بودند، هر دو دارای شخصیت سیاسی و دیدگاه‌های سیاسی خاص بودند و دیدگاه‌های آنان کم و بیش در آثار و اشعارشان مشهود و ملموس می‌باشد. از نظر آثار سیاسی مکتوب در زمینه فقه حکومتی اسلام، سید رضی دارای نقش بیشتری است و او حق بزرگی بر مکتب سیاسی اسلام دارد.

سید رضی، با غور و بررسی همه جانبه و ژرف در متون حدیثی، تاریخی و غیره مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات کوتاه و حکمت‌آمیز حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام

۲۷. برای اطلاع بیشتر از شخصیت علمی و فقهی و سیاسی مرحوم شیخ مفید و نیز حوادثی که بر او رفته است رجوع کنید به مقدمه اوائل المقالات، به قلم شیخ فضل‌الله شیخ‌الاسلام زنجانی با تعلیقات چرندابی، صفحات ۳۹ - ۱۳.

۲۸. اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات / ۱۰۹، چاپ قم. و نیز رک: اندیشه کلامی شیخ مفید / ۳۶۸. باید توجه داشته باشیم که مسئله «دار» در فقه اسلام دارای ابعاد عبادی، سیاسی و مالی متعددی است که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است.

را استخراج و گردآوری و با سلیقه بی سابقه‌ای تدوین نموده و نام نهج البلاغه را برای اثر جدید خود انتخاب نمود که غنی‌ترین کتاب در زمینه فقه سیاسی و حکومتی اسلام به شمار می‌آید، اگر در اثر حوادث و پیش‌آمدهای روزگار از نهج البلاغه هیچ چیزی جز عهدنامه مالک‌اشتر باقی نمی‌ماند، همان یک نامه می‌توانست بهترین مأخذ برای تدوین فقه و حقوق سیاسی اسلام باشد. هر چند که احادیث نهج البلاغه در این کتاب، به گونه‌ای مرسل و با حذف زنجیره سند نقل گردیده، لکن مأخذ اولیه آن موجود است و غالب این احادیث دارای زنجیره سند و سلسله روایت می‌باشند، از این نظر نیز عیبی نمی‌توان بر آن گرفت.<sup>۲۹</sup>

هر چند که درباره نهج البلاغه سخنان بسیار گفته شده و شروح زیادی نیز بر آن نگاشته شده است، لکن با این همه، هنوز ارزش فقهی و سیاسی نهج البلاغه در حوزه‌های علمیة اسلامی شناخته نشده است. نهج البلاغه می‌تواند منبع تدوین گسترده‌ترین و اصیل‌ترین فقه حکومتی اسلام باشد، مشروط بر اینکه فقهای ما، درباره آن با شیوه معمول فقهی و اصولی به اجتهاد پردازند، این جای تأسف است که فقهای عظام، از بعد فقهی درباره احادیث و محتویات نهج البلاغه، به اندازه «حدیث لا ضرر» نیز بحث و بررسی و اجتهاد رسمی انجام نداده‌اند.

تدوین نهج البلاغه توسط سید رضی را می‌توان یکی از درخشان‌ترین مراحل تطور فقه حکومتی در اسلام به شمار آورد، و می‌توان امیدوار بود که در صورت اعمال اجتهاد رسمی در نهج البلاغه توسط فقهای شایسته، مشکلات سیاسی و حکومتی جهان اسلام، مرتفع گردد.

۵ - ابوالصلاح حلبی: ابوالصلاح شاگرد سید مرتضی علم‌الهدی، و نماینده او در منطقه حلب و شامات بوده و یکی از برجسته‌ترین فقهای اقدم شیعه به شمار می‌آید. بزرگان و استوانه‌های دین از علمای رجال و فقهای عظام به شایستگی و علو مقام او در فقه و دیگر معارف دینی اعتراف کرده و زبان به مدح او گشوده‌اند.<sup>۳۰</sup>

تقی‌الدین ابوالصلاح حلبی که متولد ۱۳۴۷ و متوفای ۴۴۷ هجری است، بعد از شیخ مفید و سید رضی بیشترین نقش و سهم را در تکامل بخشیدن به فقه حکومتی و سیاسی اسلام داشته است. او فقیهی است آگاه، زمان‌شناس، و دارای بینش سیاسی سالم و بصیرت در فهم و استنباط احکام، آرا و فتاوی او در زمینه مسائل سیاسی و حکومتی آن چنان جالب

۲۹. اساتید و مصادر نهج البلاغه در یک دوره کتاب به اسم مستدرک نهج البلاغه گردآوری شده و می‌توان هسماند سایر کتب حدیث و روایات آن را مورد استناد و بحث و بررسی فقهی قرار داد و به

همین جهت نهج البلاغه در تدوین مباحث حکومتی اسلام از جایگاه ممتاز و ویژه‌ای برخوردار است.

۳۰. ر. ک، الکافی فی الفقه / ۱۵ - ۵ (مقدمه به قلم آیه‌الله رضا استادی، چاپ مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام)

و زنده است که بعد از گذشت هزار سال، هنوز هم برای ما دارای جذابیت است. ابوالصلاح از جمله فقهای است که در زمان غیبت، ولایت امور مسلمین را از آن فقهای واجد شرایط امامیه می‌داند و معتقد است که اینان باید افتاء امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت و حل و فصل اختلافات مسلمین را برعهده گرفته و حدود الهی را به اجرا درآورند. او حکومت و ولایت برای «سلطان اسلام» که همان امام معصوم باشد را بطور بالا صاله ثابت کرده و سپس همان منصب را برای «من تصح نیابته عنه» یعنی «کسی که دارای شروط و شایستگی لازم برای نمایندگی و نیابت امام زمان» است نیز جانش معرفی می‌کند، و در موارد مختلفی از کتاب الکافی فی الفقه، این قبیل عبارات را به کار می‌برد، مثلاً در مقام بیان حکم فساق و کیفیت تعزیر و مجازات آنان چنین می‌نویسد:

«فسق و احکام آن: اما فسق. هر آن چیزی را گویند که خلاف شرع باشد، اما به حد کفر نرسد، و آن دو صورت دارد. یا به گذشته افراد تعلق دارد و یا به آینده، اما فرض اول. انجام مجازات آن، ویژه سلطان اسلام و یا کسی است که دارای شروط و شایستگی لازم برای نیابت از سلطان اسلام باشد. از جمله آن موارد، اعمالی است که موجب حد باشد. مانند زنا، لواط، مساحقه، دلالی و گردآوردن اهل فجور در یک جا، قذف، دزدی، فساد در زمین، شرب خمر و فحاح. و...»<sup>۳۱</sup>

چنانکه همه می‌دانیم منظور از «کسی که دارای شروط و شایستگی لازم برای نیابت سلطان اسلام باشد» همان فقیه جامع‌الشرایط است که دارای ولایت است، و ابوالصلاح، اوصاف ولی فقیه را بطور مفصل در مبحث جداگانه‌ای تحت عنوان «فصل فی تنفیذ الاحکام» بیان نموده و او را «نائب الامام» معرفی کرده است.<sup>۳۲</sup>

حلبی با تمسک ابتکاری و ویژه‌ای که در نگارش کتاب خود به کار گرفته، امهات فروع و فقه حکومتی اسلام را در آن جای داده است. مسائلی مانند: لزوم و عدم لزوم دولت و ریاست حاکمه برای جامعه، امام اصلی و شرایط اوصاف او، نائب‌الامام و شرایط و اوصاف او، فقه مالی مانند زکات، خمس، انفال، غنایم و غیره، فسق و احکام فساق، حدود و تعزیرات، قاضی و شرایط و اوصاف آن، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، نمازهای عبادی - سیاسی، وجوب پیروی از ائمه معصومین علیهم‌السلام و دهها مسئله اصلی و فرعی دیگر که در مجموع به کیفیت اداره شئون جامعه اسلامی از دیدگاه فقه امامیه بازمی‌گردد، از جمله

۳۱. الکافی فی الفقه / ۲۶۳، سابق.

۳۲ - ۳۳. ر.ک: الکافی فی الفقه، صفحات ۱۰۶ - ۸۵، ۱۵۶ - ۱۵۱، ۲۷۵ - ۲۴۸، ۳۱۱، ۴۲۷ - ۴۲۱،

مسائل حکومتی بحث شده توسط حلبی در کتاب الکافی است.<sup>۳۳</sup> با توجه به اینکه در این جا، مجال پرداختن به آرای حلبی در همه زمینه‌های یاد شده نیست فقط به ذکر دیدگاه او راجع به لزوم اصل ریاست و حکومت در جامعه می‌پردازیم. ابوالصلاح حلبی برخلاف تمام فقهای پیش از خود در مورد فقه حکومتی اسلام بحث از «لزوم و عدم لزوم دولت در جامعه» را اساسی‌تر از همه چیز دانسته و در کتاب خود، الکافی ضمن بحث «امامت» آن را به بحث و بررسی گذاشته است.

ابوالصلاح نخست ضرورت و لزوم اصل امارت، ریاست و دولت را در میان مردم ثابت کرده، و بعد از آن رهبری «امام معصوم» را ثابت می‌کند. او تصریح می‌کند که هر نوع حکومت و امامت دیگری نیز به هر حال در نهایت باید به نظارت و اذن معصوم منتهی گردد، و طبیعی است که حکومت فقها در عصر غیبت صاحب الامر (عج) حکومتی است که تحت نظر مستقیم معصوم نیست، لکن در نهایت منتهی به اذن معصوم و شیوه حکومتی او می‌گردد و لذا فقها به عنوان «نائب الامام» مأذون به اعمال ولایت و اجرای حدود و... هستند. باید گفت ابوالصلاح نخستین فقیه شیعی است که راجع به مسئله دولت و ریاست مردم با این شیوه به بحث نشسته و کلیات یک فلسفه سیاسی اسلامی را ارائه داده است. از آنجا که سخن او در این زمینه بسیار مفصل است از ترجمه و نقل همه آن چشم پوشیده و بخش کوچکی را درباره لزوم و عدم لزوم دولت در جامعه در این جا نقل می‌کنیم تا از این طریق روند تحولات فقه حکومتی اسلام معلوم گردد:

«دلیل ضرورت ریاست و امامت این است که این مسئله از طرف خدا یک نوع لطف برای مردم است، چون عقلاً قبیح است که آنان مکلف به وظایفی شوند بدون آنکه رئیس و امامی داشته باشند، برای اینکه ما می‌دانیم که وجود رؤسای با هیبت و قدرت و نافذالامر و با سطوت در جامعه موجب کاهش یافتن قبايح و زشتیها می‌شود و مایه افزونی خوبیها می‌گردد، در حالی که نبودن چنین رؤسا و یا ضعف آنان، نتیجه معکوس دارد.»

بنابراین وقتی که تأثیر مثبت ریاست و حکومت در جامعه ثابت شد، لطف بودن آن نیز ثابت و لزوم آن محقق می‌گردد. کسانی که مخالف وجود اصل ریاست و دولت در جامعه هستند بیش از چهار مورد ذیل، دلیل دیگری بر انکار آن ندارند و آن چهار دلیلشان نیز از این قرار است:

۱ - ممکن است در این مسئله که ریاست و حکومت دارای اثر اصلاحی در جامعه است و اگر حکومت نباشد فساد جامعه را می‌گیرد، با ما منازعه کنند و بگویند آن را قبول نداریم.

۲ - در صورت وجود دولت و رؤسا در میان مردم، سوءاستفاده و تباهاکاری

ممکن است صورت بگیرد.

۳ - ممکن است عده‌ای از عقلا و مردم توسط رئیسی قابل اصلاح باشند و عده‌ای دیگر توسط شخص دیگری [و این موجب اختلاف در جامعه و بین مردم باشد].

۴ - ممکن است منکرین ضرورت دولت و ریاست چنین عقیده‌ای داشته باشند که اساساً حصول صلاح در جامعه نیازی به وجود حکومت و رئیس ندارد و سخن اینان به عنوان برخی از عقلا قابل تعمق است.<sup>۳۴</sup>

ابوالصلاح بعد از نقل ادله چهارگانه منکرین ضرورت حکومت و ریاست، هر چهار مورد یاد شده را به نقد و بررسی نشسته و با منطقی آنها را مردود می‌سازد و چنین ادامه سخن می‌دهد:

«اما در مورد دلیل اول آنان باید گفت، آن یک امر ملموس و مشهود است و همه عقلا نسبت به آن آگاهی دارند و می‌دانند که وجود رئیس در جامعه چه اندازه موجب اصلاح امور و نابودی مفسدین فی الارض و یا ترس و وحشت آنان می‌گردد، به گونه‌ای که اگر سرزمینی خالی از حکومت و رئیس باشد، هرگز نمی‌توان اصلاح شدن آن را در وهم آورد. دلیل دوم آنها نیز نمی‌تواند مانع از اعتقاد به وجوب انعقاد ریاست در جامعه شود، برای اینکه ریاست در انجام واجبات و پرهیز از زشتیها، لطف و ضروری است و تکلیف همواره ثابت است. بنابراین اگر قبیح و زشتی هم در کنار انجام واجبات صورت بگیرد، مانع از آن نیست که بگوییم امامت و ریاست در جامعه لازم و لطف است. مثال آن مانند مسئله ثواب و عقاب است، لطف بودن ثواب و عقاب برای همگان معلوم است، در حالی که مردم جهان که ثواب و عقاب برای آنان است مرتکب برخی قبايح و زشتیها نیز می‌شوند.

علاوه بر اینکه اگر با وجود ریاست و دولت در بین مردم قبايح و فسادهایی واقع می‌شود، در صورت عدم وجود آن، چند برابر آن قبايح و فسادها واقع خواهد شد، و این مسئله روشنی است که هر آدم عاقلی آن را می‌فهمد. بنابراین هر چیزی که برطرف شدن یک کار قبیح و زشت را نتیجه بدهد، یا آن را دور سازد، لطف واجب است در حکمت خداوند مانند وجوب آن چیزی که رفع سایر قباح را نتیجه می‌دهد، و اهل عدل در این مسئله نزاعی ندارند. اما دلیل سوم منکرین ضرورت ریاست و دولت در جامعه، آن هم وارد نیست. برای اینکه اصلاح آنان منوط و مشروط به وجوب دولت و رئیس است، اصل لزوم حکومت ثابت است، فقط در نحوه و رئیس خاص آن اختلاف نظر است [و ما نیز در اینجا فقط درصدد اثبات لزوم و وجود اصل ریاست و نظام دولت در بین مردم هستیم و نه بیشتر از این]. و اما دلیل چهارم که ممکن است عده‌ای از عقلا صلاح خود را در عدم وجود دولت و رئیس بدانند، آن نیز باطل است. برای اینکه با توجه به دلایلی که

در اثبات ضرورت اصل حکومت آوردیم معلوم می‌شود که عموم عقلا، آن را قبول دارند و اصل آن ثابت است. این عقیده فقط خاص آنانی است که منافع شخصی خود را در عدم وجود حکومت و [و رواج هرج و مرج] می‌بینند و این عقیده فاسدی است و مانع از ثبوت ضرورت ریاست در جامعه نمی‌شود.

این سخن مثل آن می‌ماند که شخص ودیعه‌دار و مقروض به بهانه اینکه در صورت ردّ ودیعه و ادای قرض، متضرر می‌شود، از ردّ و پرداخت آن خودداری کند. آیا این عقیده او مانع وجوب ردّ ودیعه و پرداخت دین می‌گردد؟!<sup>۳۵</sup>

خلاصه اینکه: همه عقلا می‌دانند که این قبیل عقاید، ویژه تبهکاران و مفسدین فی الارض است تا در سایه عدم وجود دولت و رؤسا در کشور، بتوانند طبق میل خود به فساد و تباهی دست بزنند و کسی نیز مانعشان نشود. در قباحت و زشتی این عقیده هیچ شبهه‌ای نیست»<sup>۳۵</sup>.

آنگاه ابوالصلاح، سخنان پرمایه و دلنشین خود را در دیگر زمینه‌های مربوط به مسائل امامت و حکومت ادامه می‌دهد و در نهایت لزوم استقرار حکومت عدل با امامت امام معصوم و یا نایب او که به نحوی حکومت و ریاستش به ریاست معصوم منتهی شود را، نتیجه می‌گیرد.

آنچه که بیان گردید تنها گوشه‌ای از آرا و فتاوی ابوالصلاح حلبی در فقه حکومتی است، و همین مقدار نشان می‌دهد که او یکی از پیشاهنگان تدوین فقه حکومتی اسلام و از بنیانگذاران «فلسفه سیاسی در اسلام» است.

۶ - شیخ طوسی: ابوجعفر محمد بن حسن طوسی متولد ۴۸۵ و متوفای ۵۶۰ هجری، معروف به «شیخ الطایفه» از ارکان فقهای قدیم امامیه است که مدتی در بغداد زعامت حوزه علمیه را داشت، سپس در اثر برخی از حوادث اجتماعی و سیاسی مجبور به مهاجرت گشته و در نجف اشرف، حوزه علمیه نجف را بنیانگذاری فرمود.

شیخ طوسی همانگونه که در حفظ، گسترش و انتقال میراث آل محمد علیهم‌السلام به نسلهای بعد در تمام فنون و رشته‌ها نقش اساسی داشته، در حفظ تداوم و بالندگی فقه حکومتی اسلام نیز مؤثر بوده است، هر چند که شیخ، مبحث جدیدی در فقه حکومتی عنوان ننمود، لکن مانند شیخ مفید و دیگران در آثار خود به گونه پراکنده و مرسوم زمان، فتاوی را در زمینه ولایت فقیه و فقه سیاسی اسلام بیان داشته که بسیار جالب هستند.

او در کتاب مرجع و حدیثی مهم خود به نام تهذیب الاحکام، فصل مستقلی را به گردآوری و نقل روایات مربوط به «ولایت فقیه» و شئون و اختیارات اجتماعی، قضایی و



سیاسی فقهای امامیه اختصاص داد و این عنوان را برای آن فصل از کتاب خود برگزید: «باب من الیه الحکم و اقسام القضاة والمفتین» یعنی «بابی در اینکه چه کسی حق حکومت دارد و درباره اقسام قاضی‌ها و فتوا دهندگان».<sup>۳۶</sup>

او درباره اختیارات ولی فقیه در عصر غیبت صاحب الامر (عج) همان فتاوی را که شیخ مفید به گونه مدون بیان کرده بود، اظهار فرموده است. به اضافه اینکه «اقامه نماز جمعه» رانیز که از شئون حکومت اسلامی است، از وظایف فقیه بر شمرده است. چنانکه فرموده است:

«برای فقیهان اهل حق جایز است مردم را برای اقامه نمازهای یومیه، نماز جمعه و نماز عیدین جمع کرده و دو خطبه را نیز بخوانند. و...»<sup>۳۷</sup>

در مبحث «کتاب الجهاد و سیره الامام» از کتاب نهایی بویژه آخر آن مطالبی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر، ولایت فقیه در زعامت امت و اجرای حدود بیان شده و وظایف مکلفین شیعه در این موضوعات به رشته نگارش درآمده است.<sup>۳۸</sup>

شیخ در بخشهای دیگر کتاب نهایی، بویژه در دو بخش «قضایا و الاحکام»<sup>۳۹</sup> و «کتاب المکاسب - باب عمل السلطان و اخذ جوائزهم» بخش مهمی از مسائل و فروعات فقه حکومتی را به گونه فتوا بیان کرده است. او در رابطه با «تولی» و پذیرش مناصب حکومتی در دستگاه حاکمه عدل و جور چنین فرموده است:

«تولی امر و پذیرفتن منصب از جانب سلطان عادل و حاکمی که امر به معروف و نهی از منکر کند و هر چیزی را در موضع خود و جایگاه ویژه خود قرار بدهد، جایز و حتی تشویق شده است، و چه بسا در برخی موارد واجب نیز بشود، و آن در صورتی است که شخص پذیرنده منصب متمکن از امر به معروف و نهی از منکر و رفتار عادلانه در آن منصب بوده باشد. و اما تولی امور در حکومت جور؟ پس اگر یقین کند و یا ظن غالب پیدا کند که در صورت پذیرفتن منصب در دستگاه سلطان جور، موفق به امر به معروف و نهی از منکر، تقسیم اخماس و صدقات در بین مستحقین و دستگیری و یاری از برادران دینی خود خواهد شد، بدون آنکه قبیحی را مرتکب شده و واجبی را بشکند، ایراد ندارد و مستحب هم هست که آن را بپذیرد، و در غیر این صورت ورود به دستگاه ظلم و جور در هر شکل آن برای انسان جایز نیست و...»<sup>۴۰</sup>

۳۶. ر.ک: تهذیب الاحکام، ج ۶/۲۱۷.

۳۷. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی / ۳۰۲، چاپ بیروت، دارالکتاب العربی.

۳۸. ر.ک: النهایه / ۳۰۳ - ۳۰۰.

۳۹. ر.ک: همان مدرک / ۳۳۷.

۴۰. النهایه / ۳۵۶.

سپس شیخ طوسی درباره اینکه مردم چگونه باید در تحت حکومت سلطان جور، زندگی کنند بحث کرده و جزئیات آن را روشن کرده است که مثلاً آیا معامله اقتصادی با دستگاه سلطان جائز، جایز است یا نه، اخذ جوایز جایز است یا نه، و مسائلی از این قبیل که مورد نیاز مردم زمان او بوده و در هر مورد نیز فتوای لازم را داده است.

شیخ در کتب فقهی دیگر خود مانند الخلاف و کتاب المبسوط و نیز در تفسیر ارزشمند البیان فی تفسیر القرآن به مناسبت‌های مختلف راجع به مسائل حکومتی بحث کرده است که فعلاً مقام پرداختن به همه آنها نیست. در مجموع باید او را یکی از عاملین مهم حفظ و تکامل بخشی فقه حکومتی شیعه به شمار بیاوریم.

از کسانی که در حفظ و انتقال این مسائل به نسل‌های بعدی مؤثر بوده‌اند، می‌توان از فقهای بنامی همچون عبدالعزیز دیلمی، معروف به «سلار» صاحب کتاب المراسم و «ابن براج طرابلسی» مؤلف کتاب المذهب در فقه را نام برد که نوعاً آرای فقهای پیشین را در کتب خود تکرار کرده‌اند. و گاهی در برخی از فروع نسبت به فقهای قبلی اختلاف فتوا نیز دارند.<sup>۴۱</sup>

بعد از درگذشت شیخ طوسی، حوزه‌های علمی شیعه دچار رکود و انجماد گردیده و از اجتهاد واقعی دست کشیدند و این موجب شد که فقه امامیه از آن رشد، گسترش، تنوع و بالندگی که در پیش گرفته بود، باز بماند، و طبعاً این آفت در مسائل مربوط به فقه حکومتی نیز سرایت کرد، لذا آن دوران پرتلاش و طلایی دوران فقها در زمینه اجتهاد فقهی سپری گشته و برای مدتی طولانی جای خود را به انجماد و تقلید و تتبع سطحی داد که زیانبار بود.

### ۳ - عصر فقهای قدیم

در تقسیم مراحل و ادوار تاریخی فقه، از آغاز غیبت صاحب الامر (عج) تا پایان عصر شیخ طوسی را «عصر فقهای اقدم» نامگذاری کرده و به گونه فشرده و سریع، روند نگارش فقه حکومتی اسلام در آن دوره را بررسی کرده و نمونه‌هایی از آرای فقهای اقدم شیعه در این زمینه را ارائه دادیم. از عصر شیخ طوسی تا پایان عصر علامه حلی، فخر المحققین و شهید اول را نیز به عنوان «عصر فقهای قدیم» عنوان گذاری نموده و روند رشد و گسترش فقه حکومتی اسلام در این دوره را به گونه بسیار فشرده و فقط با تکیه به برخی از موارد و نمونه‌های برجسته ادامه می‌دهیم.

چنانکه گفتیم بعد از شیخ طوسی باب اجتهاد اسماً باز بود، ولیکن در عمل هیچ‌گونه

۴۱. ر.ک: المراسم بویژه صفحات ۶۷، ۹۹، چاپ بیروت دارالزهراء، و نیز المذهب، ج ۳/۱۱۳ - ۱۱۱، ۱۴۰ - ۱۳۴، انتشارات اسلامی قم.

اجتهاد واقعی از نوع اجتهاد فقهای اقدم صورت نمی‌گرفت و در حوزه‌های علمیه، فقیه مجددی ظهور نمی‌کرد و این وضعیت حدود یک قرن ادامه داشت، تا اینکه فقهای برجسته و شجاعی همچون «ابن ادریس» صاحب کتاب ارزشمند السرائر و دیگران در میان شیعه ظهور کرده و با شجاعت تمام باب اجتهاد را عملاً باز نمودند و موجب شکوفایی و رشد مجدد فقه آل محمد علیهم‌السلام گردیدند. این رشد و شکوفایی مجدد فقهی، همه شاخه‌های فقه شیعی از جمله «فقه حکومتی» را نیز دربر گرفت و در نهایت به گسترش و تعمیق مباحث و مفاهیم آن انجامید. در این دوران بلند که در ضمن آن فقیهان نامداری همچون علامه حلی، محقق حلی، شهید اول و دیگران درخشیدند، فقهای امامیه، هم در تئوری و فتوا و هم در عمل، مفاهیم و نمونه‌های سیاسی و حکومتی نوینی را وارد تاریخ فقه شیعه کردند که بسیار میراث ارزشمندی است. فقهای عظیم الشانی همچون سید بن طاووس و خواجه نصیرالدین طوسی در این دوران وارد کارهای حکومتی شدند و مناصبی همچون وزارت را در داخل حکومت‌های وقت، برای تأمین مصالح حیاتی اسلام و امت اسلامی پذیرفتند که سیره و روش سیاسی امثال این فقیهان برای فقهای آینده بهترین الگوی عملی و فقهی بود.<sup>۴۲</sup>

علامه حلی با مسافرت تبلیغی، سیاسی مشهور خود به دربار سلطان محمد خدابنده در سلطانیه و سه سال اقامت پرثمرش در کنار آن سلطان، شیوه کار سیاسی زنده و جالبی را از خود به یادگار گذاشت.<sup>۴۳</sup> چنانکه «ابن فهد حلی» با مرآوده و فعالیت‌های سیاسی خود موجب گرایش به تشیع والی وقت بغداد و آن مناطق گردید،<sup>۴۴</sup> و بدین واسطه نشان داد که فعالیت سیاسی از وظایف یک فقیه است و فقها باید کوشش کنند حتی الامکان بطور مستقیم و یا غیرمستقیم، قدرت سیاسی و نظامی را در جامعه به دست آورند. چنانکه فعالیت‌های سیاسی فقیه بزرگوار «محمد بن مکی» معروف به «شهید اول» و مرآوده او با حکومت شیعی و انقلابی سربداران، موجب کشته‌شدن و شهادت او به دست حکام وقت گردید.<sup>۴۵</sup> مجموع این قضایا و نمونه‌های مشابه اینها، در دورانی اتفاق افتاده است که از نظر تاریخ فقه آن دوران به عنوان «عصر فقهای قدیم» شناخته می‌شود. ویژگی برجسته عصر فقهای قدیم در تاریخ فقه حکومتی شیعه، ورود مستقیم و آشکار فقهای بزرگ در امور حکومتی و سیاسی است.

۴۲. جهت آگاهی از شرح حال تفصیلی خواجه، ر.ک: جامع الرواة، ج ۲/۱۸۸، سرگذشت و عقاید فلسفی

خواجه نصیرالدین، نوشته محمد مدرسی زنجان، چاپ امیرکبیر، دراسات و بحوث سال اول شماره ۲ ص ۵۹-۶ و نیز مقدمه فرج المهموم فی تاریخ علم النجوم از سیدبن طاووس.

۴۳. ر.ک، دراسات و بحوث، سال اول شماره ۵۸/۲.

۴۴. دراسات و بحوث / ۸۰، السنة الاولى، العدد الاولى.

۴۵. ر.ک: اللمعة الدمشقیة، ج ۱/۱۲۵ - ۱۳۱، (مقدمه مصحح) باتصحیح کلاتر.

آنچه که گفته شد راجع به سیره عملی فقهای بزرگ راجع به مسائل سیاسی و حکومتی بود. لکن باید در نظر داشته باشیم که دستاورد فقهی فقهای امامیه در این دوران راجع به مسائل سیاسی و حکومتی، منحصر به «عمل» نبوده، بلکه در این دوره نیز مانند دوره فقهای اقدم، فروع فقه حکومتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نظریات ممتاز و مشخصی حاصل آمده است.

در این جا برای هر چه بیشتر ملموس نمودن بحثها چند نمونه از فتاوی سیاسی چند تن از فقهای بزرگ این دوره را نقل می‌کنیم تا از این طریق، سطح رشد فقه حکومتی اسلام در عصر فقهای قدیم نیز ارائه شده باشد.

۱ - قطب راوندی: ابوالحسن سعیدبن هبةالله راوندی مشهور به «قطب راوندی» از جمله فقهای قدیم است که در سال ۵۷۳ هجری وفات یافته است. او کتابهای فراوان و ارزشمندی در علوم و فنون اسلامی از جمله در فقه، تفسیر و علم کلام دارد که کتب او مورد توجه علما و فقهاست.

قطب راوندی از نظر فتوا و بحث علمی کمک فراوانی به گسترش و تعمیق فقه حکومتی شیعه کرده است. او از جمله فقهایی است که به مردم اجازه می‌دهد برای نهی از منکر، اسلحه به دست گرفته و با خونریزی هم که شده، جلوی منکرات [به معنای اعم کلمه] را بگیرند. لذا براین اساس می‌توان گفت، او به جواز و بلکه وجوب «انقلاب مسلحانه» علیه حکام جور و فسق فتوا داده است.<sup>۴۶</sup> ایشان در بخشی از کتاب خود می‌نویسد:

«... اگر کسی پرسد که آیا در نهی از منکر دست بردن به اسلحه نیز واجب است؟ ما جواب می‌دهیم: بلی، هرگاه به آن نیاز اقتاد واجب می‌شود که در حد توانایی و امکان تهیه و حمل شود. برای اینکه خدا ما را به نهی از منکر نمودن دستور داده است، از این رو، وقتی که در انجام آن، پند و نصیحت و تهدید و بازداشتن از طریق دست خالی مؤثر واقع نگردید و عامل منکر را بازداشت، دست بردن به اسلحه واجب می‌شود، به دلیل اینکه فریضه و تکلیف نهی از منکر ساقط نمی‌شود، مگر اینکه منکر زایل شود و از بین برود، و مکلف در حد امکان برای چنین جهادی باید آماده شود. جز اینکه در آن نباید نیت‌اش «جنگ» باشد، بلکه باید به نیت انکار منکر به چنین کاری دست بزند.  
و...»<sup>۴۷</sup>

باز در جای دیگری از کتاب خود می‌نویسد:

«ما مکلف هستیم به هیچ‌کس اجازه ندهیم که هیچ‌کدام از گناهان را مرتکب شود،

۴۶. ر.ک: فقه القرآن، ج ۹/۲ - ۱۳۸، ۱۴۲ نوشته قطب راوندی، انتشارات کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی.

۴۷. فقه القرآن، ج ۹/۲، ۱۳۸، سعیدبن هبةالدین راوندی، از انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.

اعم از اینکه آن گناهان از امور قلبیه و غیر خارجی باشد، مانند بدعت و اظهار مذاهب فاسده، و یا از افعال جوارح و اعمال بدنیه و خارجی باشد و این در صورتی است که قادر به نهی و بازدارندگی باشیم. آنگاه در کار خود می‌نگریم، اگر بازداشتن و نهی از آن با صرف بیان و سخن امکان‌پذیر بود، به پیش از آن اقدام نمی‌کنیم، و اگر به اقدام عملی بدون اضرار نیاز شد و با صرف سخن هدف عملی نگردید، آن را انجام می‌دهیم؛ اگر با این کار نیز هدف نهی از منکر تحقق نیافت و نیاز به جنگ افتاد، از طریق اقدام به جنگ، عاملین منکر را از عمل به آن باز می‌داریم، هر چند که در نزد بسیاری از یاران و علمای ما دست زدن به چنین کاری موقوف به اذن امام و سلطان [مشروع و حق] وقت گردیده است.<sup>۴۸</sup>

راوندی دیگر مباحث و فروعات فقه حکومتی، مانند جهاد، سبق و رمایه، قضا و حدود و غیره را نیز بسیار خوب و گسترده بحث کرده است.

۲ - علامه حلی: نام او «حسن بن یوسف بن علی المطهر» و مشهور به «علامه حلی» می‌باشد و در سال ۷۶۲ هجری از دنیا رفته است. او نخستین کس از فقهای شیعه است که به لقب «آیت‌الله» ملقب شده است. علامه از فقهای سیاسی و فعال در صحنه‌های اجتماعی بوده است، و به همین لحاظ جایگاه خاصی در تاریخ فقه حکومتی اسلام دارد. علامه حلی علاوه بر حفظ و انتقال میراث فقهای پیشین در این باب، در تعمیق مباحث و تکثیر فروع فقه حکومتی نیز نقش بسزائی داشته است.

در کتاب ارزشمند او به نام منتهی المطلب کتاب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر از جمله مباحثی است که دارای بیشترین فروع و بیشترین حجم می‌باشد،<sup>۴۹</sup> او همه ولایتها و اختیاراتی را که شیخ مفید و دیگر فقهای اقدم برای فقیه قائل بودند، قائل است، به جز اقامه نماز جمعه که در اقامه آن احتیاط کرده است.<sup>۵۰</sup>

علامه از جمله نخستین فقهای است که درباره مسئله احتکار و تسعیر (نرخ‌گذاری) مفصل بحث نموده و اقوال پراکنده فقها را در این زمینه گردآوری و بدون ساخته است، هر چند که شخص او در این زمینه فتوای جدید نداده است، لکن شیوه بحث و اقوال گردآوری شده در این زمینه را می‌توان در تاریخ تدوین فقه حکومتی مثبت تلقی کرد.<sup>۵۱</sup>

علامه حلی در منتهی المطلب راجع به جواز و عدم جواز معامله با سلطان جائز و اخذ جوائز او و دیگر مسائل سیاسی - اقتصادی مبتلا به مردم زمانش نیز مباحث فقهی جالب و

۴۸. فقه القرآن، ج ۲/۱۴۲، سابق.

۴۹. ر.ک: منتهی المطلب، ج ۲/۹۹۷-۸۹۹، چاپ سنگی.

۵۰. همان مدرک/۹۹۵.

۵۱. همان مدرک/۱۰۰۸-۱۰۰۶.

اشباع کننده‌ای را مطرح نموده است.<sup>۵۲</sup>

علامه حلی در کتابهای فقهی دیگر خود مانند قواعد الاحکام و غیره نیز یک دوره کامل فقه امامیه را به بحث و بررسی نشسته و در ضمن آن مباحث اجتماعی، حکومتی و قضایی مانند کتاب قضا و شهادت، حدود و دیات، وقف، صدقات و زکوات و اخماس، ارث و دیگر مسائل لازم برای جامعه اسلامی و حکومت اسلامی را مفصلاً مورد بحث قرار داده است.<sup>۵۳</sup> در مجموع، علامه حلی را می‌توان از فقهای مؤثر در سرنوشت اجتماعی و سیاسی مسلمین و از عوامل رشد و گسترش فقه حکومتی شیعه به حساب آورد.

۳ - شهید اول: فقیه شهید و سعید اسلام «محمد بن جمال الدین مکی» معروف به شهید اول در سال ۷۳۴ متولد و در سال ۷۸۶ هجری به فوز عظیم شهادت نائل آمد. شهید اول با عصر انحطاط و زوال‌گرایی دستگاه بنی عباس و پیدایش حکومت‌های محلی شیعی مانند «سربداران خراسان» و غیره، هم‌عصر بوده و او تنها مرجع و مجتهد بزرگ عصر خود بود که از همه نقاط دور و نزدیک جهان اسلام، مسلمانان و نیازمندان به محضر پر برکتش می‌شتافتند.

شهید اول دارای شخصیت علمی و فقهی و سیاسی با هم بود، در برابر حکومت جائز وقت، هم رهبر فکری مردم بود و هم رهبر سیاسی، و با دولتهای نوظهور، علما و انقلابیون شیعه در سراسر جهان روابط آشکار و پنهان داشت. از این‌رو، شهید را در مقام بررسی تاریخ فقه حکومتی و سیاسی اسلام باید از جمله الگوهای کم نظیر به شمار آورد.

حکومت نوظهور و انقلابی «سربداران خراسان» به سرکردگی «علی بن مؤید سربداری» طی یک نامه بسیار جالب و احترام‌آمیز که نشانگر پذیرفتن ولایت و امامت شهید اول برای خودشان است، از او دعوت کردند که از «دمشق» به خراسان عزیمت فرموده و زعامت و مقتدایی مردم آن سامان را برعهده بگیرد.

در آن نامه که با امضای «علی بن مؤید» ارسال شده، از جمله چنین آمده است:

«... از آنجا که در سرزمین ما ارشاد و راهنمایی وجود ندارد، رشدی نیز موجود نیست، و ما می‌ترسیم به همین خاطر خداوند خشم خود را بر این سرزمین نازل کند، لذا آرزو مندیم که بر ما منت نهاده، با توکل بر خداوند به سوی ما عزیمت فرمایی و...»<sup>۵۴</sup>

۵۲. همان مدرک / ۱۲۷ - ۱۲۴.

۵۳. کتاب قواعد الاحکام علامه سه چاپ دارد، یکی چاپ سنگی قدیم که جدیداً نیز افست و منتشر گردیده است (قم - منشورات الرضی) و دیگری چاپ مهذب و جدید که با حواشی فرزندش فخرالمحققین به نام ایضاح الفوائد در سه جلد چاپ شده است. متن کامل آن نیز در اول جلد دوم جامع المقاصد یکجا چاپ شده است.

۵۴. اللعة الدمشقیة، ج ۱/ ۱۳۵، مقدمه محقق، چاپ و تصحیح سید محمد کلانتر.

شهید در آن زمان، تحت نظر و مراقبت حکومت جائر حاکم بر دمشق بوده و نتوانست درخواست خالصانه را اجابت فرماید، لکن در عوض متن کتاب فتوایی و ارزشمند اللمعة الدمشقیة را نوشته و از طریق «شیخ محمد آوی» وزیر «علی بن مؤید» آن را به عنوان دستورالعمل شرعی برای مردم مسلمان خراسان فرستاد، که اندکی بعد از آن به شهادت رسید.<sup>۵۵</sup>

شهید اول با خون مقدس خود امتزاج وظیفه مرجعیت و فقاہت با رهبری و سیاست را رقم زد، و در تاریخ فقه اسلام عملاً نقطه اوج و عطفی را به وجود آورد. شهید اول، علیرغم زندگی در جو تقیه و پنهانکاری تحمیلی، از مکتوب کردن مسائل فقه حکومتی اسلام دست برنداشت. لمعة دمشقیة او با تمام فشردگی و اجمال نمونه‌ای از این نوع فقاہت است.

شهید اول در لمعة دمشقیة به جواز اقامه حدود و قضا و حکومت در بین مردم در عصر غیبت توسط فقهای واجد شرایط افتاء، فتوا داده است و بر مردم نیز واجب نموده که در صورت تحقق چنین وضعیتی فقها را مرجع خود قرار بدهند و نه حکام جور را.<sup>۵۶</sup>

شهید در تکمیل همین فتوا در کتاب القواعد والفوائد نیز «ضابطه» و ملاکی برای تعیین حدود ولایت و اختیارات فقیه حاکم، بیان فرموده است،<sup>۵۷</sup> که در مجموع و با توجه به مشی سیاسی عملی او، نشانگر اعتقاد عمیق شهید اول به ولایت فقیه و اجرای قوانین و حدود الهی توسط او در جامعه است.

در هر صورت شهید اول به عنوان یک ستارهٔ پر فروغ و درخشان در تاریخ فقه عمومی و فقه حکومتی و سیاسی اسلام می‌درخشد و نقش مؤثر او در این زمینه قابل توجه است. تا آنجا که می‌دانیم شهید اول نخستین فقیهی است که در تقسیم ابواب و مباحث فقه شیعه اصطلاح «سیاست» را به معنای بخش عظیمی از ابواب و فروع فقه اسلامی به کار برده است. او همهٔ فقه را چهار قطب، قسمت می‌کند که یک قطب آن را نیز «سیاسات» نامگذاری کرده است:

«اما اقطاب و اقسام فقه چهار قطب است:

۱ - عبادات: عبادات فعل و شبه فعلی است که در انجام آن قصد تقرب به خدا شرط باشد، موضوعاتی مانند جهاد و غیره دارای دو حیث و دو غایت هستند. از حیث امتثال امر خدا که در بردارندهٔ ثواب است، عبادت محسوب می‌شود، و از این حیث که صرف دفع ضرر است و قصد قربتی لازم ندارد جزء عبادات نیست، باقی مسائل فقهی

۵۵. همان مدرک / ۱۰۱.

۵۶. همان مدرک / ج ۲ / ۴۱۷.

۵۷. القواعد و الفوائد، ج ۱ / ۲۰۵ چاپ جدید.

نیز چنین هستند و...

۲ - عقود: و آن معاملاتی است که در عقد و اجرای صیغه به دو نفر و دو طرف احتیاج داشته باشد.

۳ - ایقاعات: و آن معاملاتی است که از نظر اجرای صیغه عقد به یک طرف نیاز داشته باشد. ایقاع و عقود را در مجموع، معاملات می‌نامند.

۴ - سیاسات: این قسمت را احکام نیز می‌نامند. به معنای اخص کلمه، سیاسات آن قسمت از احکام فقهی است که غالباً نه به صیغه عقد نیاز دارد و نه به قصد قربت.  
و...<sup>۵۸</sup>

این تقسیم‌بندی را تحوّل جالبی در تاریخ فقه اسلامی از نظر سیاسی می‌توان به شمار آورد.

۴ - فاضل مقداد: نام اصلی این فقیه بزرگ «مقداد بن عبدالله سیوری» است که به فاضل مقداد و فاضل سیوری شهرت یافته است. فاضل مقداد در سال ۷۲۶ هجری درگذشت، او از شاگردان مهم و برجسته شهید اول بود و آثار و تألیفات زیادی در فقه و حدیث و علوم دیگر از خود به یادگار گذاشت.

فاضل مقداد مانند استاد شهید خود نسبت به مسائل اجتماعی حساس بود و سرنوشت مسلمین را جدی می‌گرفت. از این رو، در تاریخ فقه حکومتی اسلام جایگاه شایسته و بلندی دارد. او تفکیک دیانت مقدس اسلام از سیاست را محال و غیرممکن دانست، چون معتقد بود این دو، با همدیگر همزاد و همراه هستند. جملات ذیل، بخشی از عقاید و فتاوی سیاسی این فقیه بزرگوار است:

«دین و حکومت دو همزاد و همراهند که یکی را بدون دیگری فایده‌ای نخواهد بود. مقتضای حکمت آن است که این دو، در یک تن فراهم آیند، وگرنه اگر عالم مجتهد از حضور و آگاهی بر زمان و حاکمیت و ارائه فکر و نظر برای هدایت اجتماع جدا شود، نقض غرض لازم می‌آید.»<sup>۵۹</sup>

ما، در همین جا بررسی فقه حکومتی در عصر فقهای قدیم را به پایان می‌بریم و به آرای دیگر این فقیه و بسیاری دیگر از فقهای نامدار آن دوره، مانند: ابن فهد حلی، سیدبن طاووس، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن‌نما حلی، محقق حلی و غیره نمی‌پردازیم که این همه، جای مناسب و مجال فراخ‌تر می‌طلبند.

۵۸. ذکر الشیعه فی احکام الشریعه / ۶، محمدبن مکی شهید اول، افست چاپ سنگی قدیم، قم، مکتبه البصیرتی.

۵۹. اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه / ۲۶۴، تألیف فاضل مقداد، تصحیح و تحقیق شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی.



#### ۴ - فقهای عصر متأخر

منظور ما از این عصر، دوره بلندی است که از آغاز روی کار آمدن دولت شیعی صفویه تا انقراض این دولت و روی کار آمدن سلسله‌های زندیه و قاجاریه را دربر می‌گیرد. «عصر فقهای متأخر» از دیدگاه رشد و گسترش قضایای مربوط به فقه حکومتی اسلام و فراز و نشیبهایی که دیده حایز اهمیت برای بررسی تاریخی است. با این حال در اینجا چاره‌ای نداریم جز اینکه با یک سیر گذرا و اجمالی بحث را تمام کنیم و به بررسی دوران بعدی یعنی «عصر فقهای معاصر» پردازیم.

در دورانی که آن را عصر فقهای متأخر نامیدیم، چهره‌های درخشانی از برجسته‌ترین فقها و مجتهدین شیعه در صحنه‌های سیاسی وارد شده و حتی برخی از آنان مانند علامه محمد باقر مجلسی صاحب بحارالانوار تا مقام وزارت سلاطین نیز رشد کردند.

در این دوره کسانی مانند محقق ثانی، محقق کرکی، شیخ بهائی، علامه مجلسی، میرداماد و دیگران را می‌بینیم که فعالانه در صحنه سیاسی جامعه خود حضور دارند و بنا به رعایت مصالح عالی و بلند اسلام و مسلمین با سلاطین و حکام شیعی مذهب وقت همکاری و حشر و نشر دارند، به گونه‌ای که علامه مجلسی به مقام وزارت رسیده و محقق ثانی طی بیانیه و حکمی که شاه طهماسب صفوی خطاب به کارگزاران خود صادر می‌کند، ولایت امور شرعی و احوالات شخصیه در داخل حکومت صفوی را می‌پذیرد. و در این موارد عزل و نصب او همچون عزل و نصب شخص شاه طهماسب به حساب می‌آید.<sup>۶۰</sup>

خلاصه اینکه در این دوره، دیدگاه فقه شیعی نسبت به مسئله ولایت و حکومت در ابعاد گوناگونی تحول پیدا کرده، و شکل و سمت‌گیری اصولی نویسی در جهت دخالت هر چه بیشتر فقها در امور حکومتی به خود می‌گیرد.

در این عصر است که می‌بینیم مناظره شدید فقها در مسائل و فروع فقه حکومتی بویژه در مسائل و موضوعاتی مانند خراج و مقاسمه و امثال اینها اوج می‌گیرد. و در این قسمت از فقه مالی شیعه، یعنی موضوع خراج، برای نخستین بار چند رساله اجتهادی عمیق توسط فقها انتشار می‌یابد که قبلاً وقوع چنین مباحث با این گستردگی و جدیت سابقه نداشت. به عنوان مثال می‌توان از کتابهای ذیل در این باره نام برد که نوعاً در ردّ یکدیگر نوشته شده‌اند:

قاطعة اللجاج فی حل الخراج، محقق کرکی، السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعة اللجاج، فاضل قطفی. دو رساله به نامهای الخراجیه و رساله فی الخراج از مقدس اردبیلی

۶۰. مستدرک الوسائل، ج ۳/۴۳۲، مرحوم حاج میرزا حسین نوری، چاپ سنگی.

و بالاخره رساله الخراجیه، ماجد بن فلاح شیبانی که آن را در تقویت آرای محقق کرکی و رد دیدگاه فاضل قطفی نوشته است.<sup>۶۱</sup>

از مسائل دیگری که در این دوره، هم در عمل و هم در مقام فتوا و کتابت، توسط فقها روی آن تأکید شده ولایت فقیه است. مسلماً فقهای مانند محقق کرکی و علامه مجلسی براساس ولایتی که برای خودشان به عنوان «فقیه آل محمد» قائل بودند در مسائل سیاسی و حکومتی عصر، حتی المقدور دخالت کرده و روابط ویژه خود با سلاطین حاکمه وقت را سامان بخشیدند.

از جمله کسانی که در این عصر در زمینه گسترش و تعمیق فروع فقه حکومتی تلاش ستایش انگیزی به خرج داده‌اند، یکی نیز فقیه گرانقدر زین‌الدین شهید ثانی است. او با تألیفات گسترده و متنوع خود و نیز سیره سیاسی که شخصاً اتخاذ نمود، تحولی در فقه بطور عام و در فقه حکومتی بطور خاص، پدید آورد.

در هر صورت، سیمانگاری عمومی و کلی فقه حکومتی در این دوره را در همین جا ختم کرده و با ذکر چند نمونه، مشخص از آرای فقها در زمینه مسائل فقه حکومتی، بحث مربوط به این عصر را نیز به پایان می‌رسانیم.

۱ - شهید ثانی: نام او «زین‌الدین بن علی بن جبل عاملی» است که از اهالی جبل عامل لبنان و معاصر دولت عثمانی و «سلطان سلیم» بوده است. آن فقیه بزرگ در سال ۹۹۳ هجری توسط مأموران سلطان سلیم در مکه و حرم خدا دستگیر و در سواحل دریای مدیترانه به قتل رسید. برخی وقوع این حادثه را در سال ۹۹۵ گزارش کرده‌اند.<sup>۶۲</sup>

شهید ثانی یک فقیه سیاس و معتقد به ولایت به عنوان نایب امام زمان (عج) بوده است. او در کتاب مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام در مقام توضیح این عبارت محقق حلی که «فقیه می‌تواند به عنوان نیابت از امام علیه السلام سهم امام را گرفته و به مصارف لازمه آن برساند» چنین می‌گوید:

«مراد از کسی که دارای حق النیابه می‌باشد، فقیه عادل است که شرایط اجتهاد و فتوا دادن را دارا باشد، زیرا که چنین کسی نایب امام علیه السلام و منصوب از جانب آن حضرت است و...»<sup>۶۳</sup>

شهید ثانی نیز مانند شهید اول به «وجوب تخیری نماز جمعه در عصر غیبت» فتوا داده

۶۱. مجموعه این رساله‌های خراجیه ضمن کتابی تحت عنوان کلمات المحققین توسط منشورات مکتبه المفید قم به چاپ رسیده است.

۶۲. لؤلؤ البحرین / ۲۴ چاپ جدید.

۶۳. مسالک، ج ۱/ ۵۲ (کتاب الخمس) چاپ افست از چاپ سنگی قدیم.

و اقامه آن را که از مناصب حکومتی است، از شئون ولی فقیه شمرده است. او طی بحث مختصر استدلالی و مفیدی که در کتاب شرح لمعه در این باره انجام داده، این فتوای خود را از نظر صحت به کرسی اثبات نشانده است.<sup>۶۴</sup>

شهید ثانی برای فقیه، دیگر انواع ولایات را نیز بطور پراکنده در آثار خود بیان کرده است. مانند قضاوت و حکومت در بین مردم، اجرای حدود و تعزیرات، وجوب مراجعه مردم به فقها در عصر غیبت برای حل خصومات و رفع اختلافات خود، و مسائل مشابه دیگر.<sup>۶۵</sup>

بطور کلی باید گفت اصل کتاب اللعة دمشقیه را که شهید اول به عنوان دستور العمل برای حکومت سربداران خراسان نوشته بود، و یک متن فقهی حکومتی مناسب آن زمان بوده، توسط شهید ثانی به بهترین وجه ممکن مورد شرح و تفسیر قرار گرفته است. اصل و شرح این کتاب هر دو در تاریخ اسلام جاودانه خواهند ماند.

۲ - ملا محسن فیض کاشانی: محمد محسن فیض کاشانی مؤلف کتاب مشهور محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء دانشمندی زاهد، عارف، حکیم، محدث و فقیه بوده و در سال ۱۰۹۱ هجری وفات کرده است. او هر چند گرایش اخباری‌گری داشت، لکن در این راه، معتدل‌تر از دیگران است و به فقهای اصولی نزدیکتر بوده و خدمات بسیار ارزنده‌ای بویژه در زمینه‌های اخلاقی، حدیثی و فقهی انجام داده است.

او از جمله فقهای بزرگی است که در زمینه فقه حکومتی اسلام دارای برخی از فتاوای شجاعانه و تحوّل‌آفرین است.<sup>۶۶</sup> او کسی است که به «وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت امام زمان (عج)» و ضرورت اقامه آن توسط فقهای واجد شرایط، فتوا داده و در این زمینه کتاب مستقلی نوشته است. الشهاب الثاقب فی وجوب صلاة الجمعة العینی نام کتاب مستقل او در این زمینه است، قطع نظر از ارزشی که نفس این فتوا در تاریخ فقه حکومتی شیعه دارد، شروع فقها به نوشتن این قبیل تک‌نگاریها در شاخه‌های مختلف فقه حکومتی خود نیز دارای اهمیت فوق‌العاده است. از این‌رو، عصر فقهای متأخر را می‌توان به عنوان «عصر شروع به تألیف تک‌نگاری متنوع در ابواب و فروع فقه حکومتی» از اعصار قبلی مشخص و متمایز نمود. حرکت تک‌نگاری در مباحث حکومتی در این دوره بطور گسترده و چشمگیر آغاز شده، رسائل خراجیه که قبلاً مذکور شد نمونه‌ای از این تک‌نگاریهاست و

۶۴. اللعة دمشقیه، ج ۱/۳۰۱ - ۲۹۹، تصحیح کلانتر.

۶۵. همان مدرک، ج ۲/۴۱۸ - ۴۱۷.

۶۶. جهت آگاهی از شرح او به مقدمه کتاب مفاتیح الشرایع، ج ۱/۳۰ - ۵ به قلم حجة الاسلام رجایی مراجعه شود.

رسالة الاوزان و المقادير علامة مجلسی که در تبیین مفاهیم فقه مالی نگارش یافته، نمونه دیگری است و کتاب الشهاب الثاقب فیض کاشانی در اثبات وجوب عینی نماز جمعه نیز یک نمونه دیگر.<sup>۶۷</sup>

از جمله علمای این دوره «سید نعمت‌الله جزائری» نیز درباره ولایت فقها و حجیت فتوای آنان کتابی دارد به اسم منبع الحیاء و حجیة قول المجتهد که از جمله تک‌نگاریهای این دوره در فقه حکومتی به شمار می‌آید.<sup>۶۸</sup> و از این قبیل آثار فقهی در این دوره، بیش از اینها نگارش یافته است، ولیکن در اینجا امکان معرفی همه آنها وجود ندارد.

فیض کاشانی اصولاً دارای گرایش اصیل سیاسی در آثار فقهی خود است، چنانکه او مانند شهید اول در کتاب ذکری، در کتاب مفاتیح الشرایع «عبادات و سیاسات» را به گونه مخلوط به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فقه اسلامی معرفی کرده است.<sup>۶۹</sup> او به ولایت فقیه معتقد است و می‌گوید: «انجام قضاوت و حکومت در میان مردم، اقامه حدود و اجراء اعمال سایر سیاسات اسلامی در زمان غیبت از ضروریات دین است» و به تفصیل در این زمینه‌ها سخن می‌گوید. فیض هر مطلبی را که در کتاب فقهی مفاتیح الشرایع آورده، معتقد است که در زمان غیبت لازم‌الاجراست.

او به جهاد ابتدایی معتقد نیست و آن را از شئون امام معصوم می‌داند و از کتاب خود مبحث جهاد را حذف کرده است. عین کلام فیض در این باره چنین است:

«فی الجملة وجوب جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تعاون بر یز و تقوا، فتوا دادن و حکومت بحق در بین مردم، اقامه و اجرای حدود و تعزیرات و سایر سیاسات دینی از ضروریات دین بوده و قطب اعظم دین همینها هستند. اینها مهمترین مقصودی است که خداوند، پیامبران را برای آن مبعوث فرموده است و اگر اینها تعطیل و ترک شوند، در واقع نبوت انبیا، ترک شده و دیانت از هم پاشیده و جهالت و گمراهی شیوع یافته است. در این صورت است که کشورها ویران و مردم هلاک می‌شوند، پناه می‌برم به خدا از چنین وضعی. الا اینکه از مجموع اینها جهاد دعوتی و غیر دفاعی که برای دعوت دیگران به پذیرش اسلام صورت می‌گیرد، از شئون امام معصوم است و در آن اذن او شرط است، لذا در زمان غیبت او ساقط می‌باشد. برای همین خاطر است که احکام آن را

۶۷. الشهاب الثاقب فی وجوب صلاة الجمعة العینی، تألیف مرحوم فیض کاشانی، چاپ بیروت، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۶۸. منبع الحیاء و حجیة قول المجتهد، مرحوم سید جزائری نیز به ضمیمه کتاب الشهاب الثاقب مرحوم فیض در بیروت به چاپ رسیده است. البته آرای ولایت فقیه به دلیل اخباری بودن به نحو دیگری است. لکن بحث ما در بعد تاریخی قضیه است.

۶۹. مفاتیح الشرایع، ج ۱/۸ - ۷، با تحقیق سید مهدی رجائی، چاپ کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی - قم.

در این کتاب درج نکردم، چنانکه شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه چنین کرده است.<sup>۷۰</sup>

اینها نمونه‌هایی از افکار و اندیشه و فتاوای برخی از فقهای متأخر شیعه در زمینه مسائل فقه حکومتی بود که ملاحظه کردید. از آفات فقهی این دوره حاکمیت تفکر خشک و افراطی و ضد تعقل اخباری‌گری بر حوزه‌های علمیه شیعه بود که ضایعه جبران‌ناپذیری به حساب می‌آید. و لذا برای مدتی جلو اجتهاد بسته شد. و به جز برخی از فقها مانند علامه مجلسی، شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق و امثال آنان که از نظر روش اجتهاد بینابین اخباریون و اصولیون بودند، بویژه در اواخر این دوره مجتهد برجسته‌ای ظهور نکرد که منشأ آثاری در زمینه فقه حکومتی باشد، تا اینکه فقیه مجاهد اسلام مرحوم «وحید بهبهانی» ظهور کرد و مکتب اصیل آل محمد علیهم‌السلام در فقه، یعنی شیوه اجتهاد اصولی را دوباره رایج نمود که در سایه آن فقهای بزرگ دیگری همچون سید مهدی بحرالعلوم، سید علی صاحب ریاض، سعید العلماء مازندرانی، شیخ مرتضی انصاری علیه‌السلام و دیگران ظهور کرده و حرکت جدیدی به فقه و حوزه‌های علمیه دادند و هر کدام از ایشان نیز دارای آرا و فتاوای مهمی در فقه حکومتی و دارای نقش مؤثر در حفظ و انتقال و گسترش آن هستند که ما به لحاظ رعایت اختصار، به همین مقدار اکتفا کرده و از اطاله کلام پرهیز می‌کنیم.

## ۵ - دوران فقهای معاصر

علامه وحید بهبهانی که بر چینه‌بند بساط اخباری‌گری در میان حوزه‌های علمیه شیعی است، در سال ۱۲۰۸ هجری از دنیا رفت. و بعد از او زعامت حوزه‌های علمیه و امامت و مرجعیت شیعه، بر عهده شاگرد نامدارش علامه سید مهدی بحرالعلوم گذاشته شد. بحرالعلوم که در حوزه علمیه نجف اشرف مقیم بود، پس از استقرار اوضاع، شخصیت‌های برجسته علمی و دینی دیگری را نیز در حوزه مشاهده کرد و تدبیری اندیشید که همه آنان را در زعامت مسلمین شرکت دهد. از این‌رو، خود مسئولیت تدوین فقه و اصول و معارف اسلام را بر عهده گرفت و مسئولیت فتوا دادن و مرجعیت را به مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطا واگذار کرد. امامت محراب را نیز بر عهده شیخ زاهد «مرحوم شیخ حسین آل نجف» گذاشت، تشکیل محکمه قضا و حل و فصل خصومات مردم را نیز بر عهده «شیخ شریف محی الدین» واگذار کرد و بدین وسیله تحولی در نظام اداری حوزه‌ها و مرجعیت جهان تشیع پدید آمد.<sup>۷۱</sup>

ما از این مرحله تا زمان خودمان را آغاز یک عصر جدید و معاصر در تاریخ حوزه‌ها و

۷۰. مفاتیح الشرایع، ج ۲/۵۰، سابق.

۷۱. رجال بحرالعلوم (الفوائد الرجالیه) ج ۱/۲۲ - ۴۱، چاپ جدید.

تاریخ فقه حکومتی اسلام دانسته و آن را به نام «دوران فقهای معاصر» می‌نامیم که خود دارای مراحل چند است. فقه حکومتی اسلام در این دوران شکوفایی فوق‌العاده‌ای داشته است، فقهای بزرگ، هم در عمل و هم در تئوری و فتوا تحولات عمیقی در مسائل فقه حکومتی و سیاسی به وجود آوردند.

در این دوره از تاریخ فقه، فقها به قیام و حرکت‌های دفاعی مسلحانه در برابر متجاوزین خارجی مانند روسیه و انگلیس، و اهل بغی داخلی مانند وهابی‌ها و غیره دست زده و کشورهای اسلامی را از خطرات جدی محافظت کردند، چنانکه حرکت‌های سیاسی شکننده‌ای در برابر سلاطین جور داخلی و استعمار خارجی انجام دادند، مانند فتوای تحریم تنباکو توسط مرحوم میرزا حسن شیرازی.

قرنهای سیزدهم و چهاردهم هجری در تاریخ فقه سیاسی و حکومتی اسلامی درخشان‌ترین دوران به حساب می‌آید. برای سیمانگاری و توصیف وضع فقه حکومتی در این دو قرن اخیر لازم است یک کتاب مستقل نگاشته شود. لکن با توجه به ضرورت مسئله در اینجا کلیاتی از ویژگی‌های فقه حکومتی اسلام در این دو قرن را فهرست می‌کنیم و سپس برخی از مؤلفان در فقه حکومتی اسلام را با ذکر نمونه آثارشان، معرفی خواهیم کرد.

این مرحله از تاریخ فقه ما که از مرحومین سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطا شروع و به فقیه مجدد و مجاهد حضرت امام خمینی و بارزترین نمونه مکتب فقهی او حضرت آیت‌الله العظمی منتظری می‌رسد، در بعد مربوط به فقه حکومتی و سیاسی، دارای ویژگی‌های ذیل است:

- ۱ - پیدایش نظم و انتظام مشخص در اداره حوزه‌های علمیه و فزونی یافتن تألیفات و گسترش ابعاد و دامنه آن اعم از فقه حکومتی و غیره.
- ۲ - افزایش حجم فقه حکومتی در مجموعه‌های فقهی به گونه چشمگیر، بطوری که اگر مبحث جهاد کتاب مقنعه شیخ مفید را با مبحث جهاد مؤلف جواهر الکلام مقایسه کنیم بیش از سی تا چهل برابر افزایش حجم مشاهده می‌کنیم. چون مبحث کمتر از ده صفحه در مقنعه در جواهر الکلام یک مجلد کامل را به خود اختصاص و چهارصد صفحه شده است.<sup>۷۲</sup>

لازم به تذکر نیست که به موازات افزایش کمی مباحث و مسائل فقه حکومتی، رشد کیفی نیز بر آن حاکم بوده است. این رشد کیفی در سبک و شیوه ارائه مطلب، قوت استدلال، تنوع فروع، زدوده شدن ابهامات در مسئله ولایت فقیه و حکومت اسلامی و تمرکز یافتن مباحث پراکنده ذیل یک عنوان تحت عنوان «ولایت فقیه» است. بطوری که در این دوره، اکثر فقهای نامدار و صاحب قلم، در کتابهای خود مباحث ولایت فقیه را یا در ضمن مباحث دیگر

۷۲. جواهر الکلام، ج ۲۱، چاپ جدید، و المقنعه چاپ سنگی مبحث جهاد.